

در این شماره

- توطئه های شورای نگهبان ارتجاع
بر ضد مجلس ششم
تهدید خطرناک سپاه پاسداران بر
ضد جنبش مردمی
ص ۲
- کنفرانس برلین
ص ۲
- سخنی پیرامون ترمیم کابینه
و چشم انداز آن
گردهمایی جنوب در مصاف
با نو لیبرالیسم
ص ۵
- ص ۸

توطئه های فزاینده ارگان های امنیتی و نیروهای ارتجاعی برضد نیروهای آزادی خواه، ملی و مترقی!

انتخابات ۲۹ بهمن، که منجر به شکست سنگین و به یاد ماندنی مدافعان ذوب در ولایت و دارودسته هاشمی رفسنجانی شد، از جنبه هایی چند در خور توجه و تعمق بوده، و حاوی تجربیات ارزنده ای برای نیروهای انقلابی و آزادی خواه در حال و آینده است!

ارتجاع، در این انتخابات، از روش ها و حربه های گوناگونی برای جنبش مردمی سود جست، و شیوه های متعددی را به کار گرفت تا بلکه بتواند ابعاد شکست خود را به

ادامه در صفحه ۴



شماره ۵۸۱، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۳۰ فروردین ۱۳۷۹

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران - هشدار باش به جنبش مردمی!! سوق دادن کشور به سمت خشونت، ترور و سرکوب خونین، توطئه جدید رهبری رژیم «ولایت فقیه» بر ضد جنبش مردمی

ویژگی های طرح «معرض» برای پورشی ارتجاع به چپش:

- سرکوب گسترده مطبوعات مخالف از طریق دستگیری وسیع نویسندگان منتقد و بستن روزنامه های مستقل
- تهدید جدی به سرکوب خونین جنبش، در صورت عقب نشستن و دست نکشیدن از خواست های اصلاح طلبانه
- آماده کردن سپاه و سایر نیروهای سرکوبگر برای ایجاد یک حکومت شبه نظامی
- ایجاد اغتشاش و ناآرامی، و دامن زدن به تشنج برای توجیه حرکات سرکوبگرانه نیروهای سرکوبگر زیر پوشش استقرار امنیت
- استفاده از همه امکانات «قانونی»، تقلب و اعمال فشار برای جلوگیری از شروع کار مجلس ششم و حتی المقدور تغییر توازن مجلس به نفع مدافعان ارتجاع و استبداد
- شواهد نیرومندی در دست است که نیروهای ارتجاعی و سرکوبگر طرح های مشابهی همچون طرح ترور سعید حجازیان و سپس متهم کردن نیروهای اصلاح طلب به دست داشتن در آن را از مدتها پیش تدارک دیده بودند، و نام شماری از شخصیت های سیاسی - اجتماعی کشور، از جمله نزدیکان رئیس جمهوری، و حتی شخص سید محمد خاتمی در این لیست قرار داشته تا در فرصت مناسب برای اجرای طرح شبه کودتای نظامی و سرکوب جنبش، به اجرا درآید.

اغتشاشگری و تعدی از قانون قرار می گیرد، استفاده از خشونت و قاطعیت تجویز می شود.» (به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، جمعه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۷۹). خامنه ای، در جای دیگر از سخنان خود، که بدون شک عامداً با هدف دفاع از ترور و کشتار دگراندیشان مطرح می شد، ضمن دفاع از اسدالله لاجوردی، جنایتکاری که دستش به خون هزاران زندانی سیاسی و مبارز راه آزادی میهن ما آلوده بوده است، او را یکی از «مجاهدان و چهره های درخشان اسلامی» خواند و در تبیین خشونت قانونی ضمن اشاره به حکم قتل سلمان رشدی توسط خمینی تمامی مخالفان رژیم استبدادی را به قتل و خشونت «قانونی» تهدید کرد. خامنه ای در این سخنان روشن نکرد که آیا یورش مزدوران سپاه و نهادهای امنیتی به دانشگاه تهران و پرتاب

هم میهنان هوشیار و مبارز، نیروهای مدافع آزادی و مخالف ارتجاع و استبداد!

سید علی خامنه ای، «ولی فقیه» رژیم، در نماز جمعه این هفته تهران، ضمن حمله شدید به کسانی که خواهان اصلاحات در ایران استبداد زده ما هستند، و جاسوس و عامل دانستن بخش وسیعی از طرفداران اصلاحات، از جمله مطبوعات مستقل کشور، و شماری از نزدیکان و طرفداران خاتمی رئیس جمهوری، و میلیون ها نفر که در ماه های اخیر بر ضد رژیم فاسد و ظالم «ولایت فقیه» آراء خود را به صندوق های رأی ریخته اند، اعلام کرد که، در «اسلام» خشونت قانونی، خشونت قابل قبولی است که در صورت لزوم می توان آن را اعمال کرد. به گفته خامنه ای: «اسلام استفاده از خشونت را اصل قرار نداده اما در موارد قانونی، اعمال خشونت را نفی نکرده است.» و سپس می افزاید: «اسلام دین جامعی است و یک بعدی نیست، آنجا که در مقابل تجاوز، زور،

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

بررسی رویدادهای ایران

تلاش گسترده شورای نگهبان برای تغییر نتیجه انتخابات مجلس

تلاش گسترده شورای نگهبان ارتجاع، در روزهای اخیر برای تغییر نتایج انتخابات شهرهای گوناگون کشور به نفع مزدوران شکست خورده رژیم، ابعاد بسیار وسیعی را به خود گرفت و به جو تشنج و ناآرامی در شهرهای مختلف دامن زد. بر اساس آخرین گزارش های رسیده، شورای نگهبان با انتشار بیانیه ای، که خبرگزاری جمهوری اسلامی آن را در روز ۲۹ فروردین ماه مخابره کرد، انتخابات حوزه داراب را ابطال کرد و در حوزه سروستان با ابطال آرای ۹ صندوق سبب شد که نفرات اول و دوم جایجا شدند و بدین ترتیب نفر دوم به مجلس راه یافت. بر اساس همین گزارش ها در حوزه خوی نیز با ابطال ۹ صندوق نفر دوم حذف و نفر سوم به جای وی قرار گرفت و به همراه نفر اول به دور دوم راه یافت. بر اساس گزارش ایرنا، که به گفته های جنتی، دبیر شورای نگهبان استناد شده است، در شهرستان ارومیه نیز با ابطال آرای ۱۳ صندوق رای انتخابات به دور دوم کشیده شده است. همچنین در روزهای گذشته، وزارت کشور نیز به اقدامات غیر قانونی شورای نگهبان اعتراض کرد و از جمله تاج زاده، معاون وزیر کشور اعلام کرد که، برخلاف ادعای شورای نگهبان، انتخابات تقده و شانویه در کمال سلامت برگزار شده است. روزنامه مشارکت، دوشنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۹، نیز گزارش داد که جمعی از فرمانداران استان هرمزگان با ارسال نامه ای به شورای نگهبان، اعتراض خود را به عملکرد این شورا اعلام کرده اند.

لازم به تذکر است که در روز یکشنبه ۲۸ فروردین ماه، نیز شورای نگهبان در پی یک اقدام بی سابقه از وزارت کشور خواست تا یک هزار صندوق رأی در تهران را برای بازشماری در اختیار این شورا قرار دهد. از مجموعه این اخبار و دیگر اقدامات شورای نگهبان ارتجاع روشن است که نیروهای شکست خورده در انتخابات ۲۹ بهمن مصمم اند تا با استفاده از «اهرم های قانونی»، تلاش کنند ترکیب مجلس پنجم را به نفع خود تغییر دهند. با توجه به دیگر حوادث سیاسی کشور و فضای بشدت بحرانی این حرکات شورای نگهبان را باید بخشی از توطئه وسیع تر و همه جانبه تر ارتجاع برضد جنبش ارزیابی کرد.

گسترش حرکات سرکوبگرانه برضد نویسندگان و حرکات مشکوک در پرونده ترور جباریان

در پی تشدید فشار بر روی روزنامه های مستقل و منتقد از رژیم و تهدید همه کسانی که

کرد. بر اساس گزارش روزنامه عصر آزادگان، دوشنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۹، که متن اعلامیه تهدید آمیز سپاه پاسداران بر ضد جنبش مردمی را منتشر کرده است، در این بیانیه از جمله آمده است: «بنگریم که چگونه پیش چشم مجاهدان و شهید دادگان، جدی ترین اصول انقلاب را به هزل و هجو، فرو می کوبند و همه چیز توجیه می شود... آیا انقلاب کبیر این مردم را مظهر دیکتاتوری و خشونت نخوانده اند؟ آیا از بازگشت افتخار آمیز عمل سلطنت، مفسدین و محاربین مسلح و از ضرورت خانه نشین کردن بسیجیان و قهرمانان ملی سخن نمی گویند؟ آیا صریحاً نمی گویند دین از سیاست جداست و دین امری فردی و مسأله ای شخصی است؟ آیا از اصلاحات آمریکایی و رفرم به سبک غربی، بقصد حذف اسلام انقلابی از صحنه حکومت و تاریخ این ملت دفاع نمی کنند... آنگاه که زمانش فرا رسد، دشمنان ریز و درشت صدای پتک انقلاب را در جمجمه خود چنان حس خواهند کرد که برای همیشه از توطئه و خیانت باز مانند!»

و اعلامیه سپس «لبیک گویان» به فرمان خامنه ای می افزاید: «نیروهای مسلح سپاه با اشاره ای از مولی و مقتداشان همچون صاعقه بر سر جنایتکاران فرود می آیند. زمانی که وقت لبخند و مدارا به سر رسد (و خدا نکند که به سر رسد) قانون خشونت انقلابی و غلظت اسلامی برای پاسداری از حق و عدالت، اما بی هیچ محافظه کاری و تبعیض، با سرعتی که تصور آنرا هم نمی توانید بکنید بدست آنان به اجرا درخواهد آمد و آنگاه برای درس گرفتن بسی دیر خواهد بود!»

اعلامیه سپاه پاسداران در جای دیگری ضمن جاسوس و مزدور دانستن نیروهای اصلاح طلب مدعی است: «چرا پاسدار کشی و بسیجی زدائی، ابتدا در سخنان سرکردگان رژیم آمریکا و سپس در چند روزنامه آلوده در ایران تئوریزه و تبلیغ و به فاصله چند روز با طرح توطئه ننگین، عملی و آغاز می شود؟» به گفته اعلامیه سپاه تمام مشکلات کنونی به دلیل شکاف در حاکمیت رخ داده است. اعلامیه سپاه مدعی است که: «اینها همه نیست جز به دلیل شکاف و رخنه ای که در صفوف نیروهای انقلابی رخ داده است.» اعلامیه سپاه پاسداران را نمی توان جز یک تهدید آشکار بر ضد جنبش مردمی ارزیابی کرد. اعلام اعمال «خشونت قانونی» در اعلامیه در واقع اعلام تدارک یک کودتای خونین و خشن است که جنبش تنها با اتحاد و همبستگی می تواند با آن به مقابله برخیزد.»

برای اصلاحات مبارزه می کنند و یا قلم می زنند در روزهای اخیر پس از احضار و بازجویی قوچانی، گنجی، و شمس الواعظین، خبر رسید که عمادالدین باقی نیز به دادگاه انقلاب احضار شده است. بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، ۲۸ فروردین ماه ۱۳۷۹، عمادالدین باقی، نویسنده و روزنامه نگار روزنامه فتح توسط قاضی مرتضوی به دادگاه ۱۴۱۰ عمومی تهران احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. بر اساس همین گزارش وزارت اطلاعات، صدا و سیما، فلاحیان، پور محمدی معاون اسبق وزارت اطلاعات، اسماعیل خطیب مدیرکل سابق اطلاعات قم، لطیفیان فرمانده نیروهای نظامی و محمد مهدی سلطانی، معاون استاندار تهران، از جمله شاکیان عمادالدین باقی هستند. به گزارش روابط عمومی روزنامه فتح، موضوع اتهامات عضو شورای سردبیری این روزنامه، نشر اکاذیب در مقالات تحقیقی و اهانت به مقدسات و اقدام علیه امنیت ملی است.

در یک حرکت دیگر، که بازتاب وسیعی در رسانه های داخل و خارج از کشور داشت، احمد حکیمی پور، عضو شورای شهر تهران جمعه شب گذشته با حکم رازقندی، قاضی ویژه پرونده ترور جباریان به عنوان متهم پرونده دستگیر و روانه زندان شد. لازم به تذکر است که ساعتی پس از ترور سعید جباریان، دستگاه های تبلیغاتی رژیم «ولایت فقیه»، از جمله روزنامه کیهان، جمهوری اسلامی و رسالت تلاش کردند تا با وارانه جلوه دادن اهداف، آمران و سازمان دهندگان واقعی این ترور، این طور وانمود کنند که ترور سعید جباریان توسط دوستان خود او در جبهه دوم خرداد و در پی بروز اختلافات میان آنها صورت گرفته است. حرکت قاضی راز قندی و دستگیری احمد حکیمی پور را نیز باید برگ تازه ای در توطئه مخدوش کردن پرونده ترور جباریان و تلاش های وسیع سازمان یافته برای پنهان نگاه داشتن سیمای واقعی مزدوران جنایتکار رژیم ارزیابی کرد.

خامنه ای: اسلام مدافع خشونت قانونی است

سید علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم، در سخنانی که در نماز جمعه این هفته تهران ایراد کرد ضمن دفاع از سیاست سرکوب، خشونت برضد دگراندیشان و ضمن دفاع از جنایتکارانی همچون اسدالله لاجوری از جمله گفت: «اسلام استفاده از خشونت را اصل قرار نداده اما در موارد قانونی، اعمال خشونت را نفی نکرده است» و سپس افزود: «اسلام دین جامعی است و یک بعدی نیست، آنجا که در مقابل تجاوز، زور، اغتشاشگری و تعدی از قانون قرار می گیرد، استفاده از خشونت و قاطعیت تجویز می شود.»

به گفته خامنه ای: «خشونت قانونی که در مورد انسان های بی قانون و متجاوز اعمال می شود، خشونتی بدنیست چرا که در غیر این صورت تجاوز و متجاوز در جامعه زیاد می شود... خشونت قانونی نه فقط خوب بلکه لازم است و خشونت غیر قانونی نه تنها بد بلکه جنایت است...» و سپس در تمجید جنایتکار لاجوردی و با اشاره به «نحوه انعکاس خبر ترور این شهید بزرگوار در امپراتوری خیری استکبار جهانی»، لاجوردی را به عنوان یکی از «چهره های درخشان اسلامی» معرفی کرد. خامنه ای در همین سخنان ضمن تهدید آزادی خواهان و با «ابراز تأسف از تکرار سخن دشمن از سوی برخی عناصر داخلی» افزود: «این مسئله واقعاً یک داستان بسیار غم انگیز و تلخ است که بعضی ها به دشمن و بیگانه بیشتر اعتماد می کنند و روی خوش نشان می دهند تا به دوست و سرانجام من به مردم خواهم گفت که برخی افراد در کشور به نفع دشمن و علیه این ملت و به نفع متجاوز و علیه مظلوم چه کارهایی انجام می دهند.»

خامنه ای در جای دیگری از سخنان خود ضمن محکوم کردن حرکت اعتراضی مردم در شهرهای گوناگون برضد اقدامات غیر قانونی شورای نگهبان اعمال مردم را ناشی از «جهالت» و «غرض ورزی» و بخشی از نقش دشمنان «اسلام» ارزیابی کرد.

اعلام آمادگی سپاه پاسداران برای یک کودتای خونین

در پی سخنان تحریک آمیز سید علی خامنه ای در نماز جمعه تهران و خوب دانستن و لازم دانستن خشونت «قانونی»، سپاه پاسداران به تأسی از فرمانده کل خود، یعنی «ولی فقیه»، با انتشار بیانیه بی سابقه ای آمادگی خود را برای سرکوب خونین جنبش و اجرای یک کودتای نظامی اعلام

نکاتی پیرامون کنفرانس

در روزهای ۷ تا ۹ آوریل «کنفرانس ایران» در خانه فرهنگ های جهان به دعوت سازمان خیریه های نریش بل، در برلین برگزار شد. موضوع اصلی سخن رانی های کنفرانس «جامعه مدنی و جوانه های اصلاحات در جمهوری اسلامی» بود که به بخش های زیرین تقسیم می شد:

ایران بعد از انتخابات،

اسلام، اصلاح و جامعه مدنی مدون،

حقوق و جنبش زنان،

جوانان در ایران امروز و مطالبات دانشجویی،

رسانه ها، هنر و ادبیات در روند اصلاحات و دموکراسی،

اقتصاد و سیاست زیست محیطی در جمهوری اسلامی ایران،

ارزیابی و چشم انداز سیاست آلمان در برابر ایران.

شخصیت های سیاسی و فرهنگی مانند محمود دولت آبادی،

سحابی، مهرانگیز کار، شهلا لاهیجی، اشکوری، اکبر گنجی...

در کار کنفرانس شرکت داشتند.

بیش از هزار نفر جمعیت شرکت کننده از ایرانیان مقیم خارج از کشور برای شنیدن سخنرانی در آنجا حضور داشتند. نیروهای چون حزب کمونیست کارگری با برنامه ریزی قبلی، به قصد به تعطیلی کشاندن کنفرانس با دادن شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر حزب توده، توده ای حیا کن، خاتمی را رها کن مانع کار کنفرانس می شدند، که موجب اعتراض انبوه شرکت کنندگان در کنفرانس و تاحدی اخلال در انجام کار کنفرانس شدند.

نفس برگزاری و تشکیل چنین جمع آمدهایی به منظور تبادل نظر و آگاهی از ارزیابی نمایندگان از دست اندرکاران فعالیت های سیاسی - اجتماعی و ادبی کشور از اوضاع میهن بی تردید مثبت است، و اخلال در برگزاری چنین مراسمی حاکی از موضع ضعیف و غیر قابل دفاع اخلاکگران است.

آنچه مربوط به شعار ابلهانه و مغرضانه مرگ بر توده ای و یا توده ای حیا کن است باید گفت آقایان شعار دهنده پا در رد پای ساواک و ساوااما گذاشته اند و سابقه این «افتخار» متعلق به دژخیمان دو رژیم است.

ادامه گردهمایی جنوب ...

«شمال» در صورتی که فقر و بی نوایی به یک خصیصه ویژه «جنوب» بدل شود، در معرض خطر نابودی خواهد بود.

بیانیه نهایی با در نظرگیری اثرات لیبرالی کردن تجارت جهانی و عملکرد سازمان تجارت جهانی، نیاز به روندی شفاف، ساده و سریع را برای قبول عضویت مورد تصریح قرار می دهد. سند، کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی را فرا می خواند تا خواسته های زیاد طلبانه و شاق از کشورهای در حال توسعه داوطلب عضویت را، کنار بگذارند.

بدهی خارجی، یکی دیگر از موضوع های محوری مورد توجه گردهمایی غرب بود، و در این رابطه، سند نهایی مطرح می کند که، کمک برای تخفیف بدهی و یا صرف نظر کردن کامل از آن، نباید به قیمت محرومیت از کمک های رسمی جهانی در رابطه با توسعه اقتصادی و اجتماعی گردد. کشور های جهان سوم شرکت کننده در گردهمایی خواستار متوقف شدن روند کنترل کامل سازمان تجارت جهانی از سوی کشور های غنی و نیز کاهش فشار بدهی خارجی شدند.

«اهداف کنفرانس برلین»

سید ابراهیم نبوی

«در رابطه با راستای این که کنفرانس برلین اخیراً برگزار شده و در آن به همه چیز اهانت شده و با توجه به این که هیچ کس نمی داند در کنفرانس برلین چه چیزی گفته شده و چه چیزی گفته نشده و با توجه به اینکه ملت ما باید در جریان باشد، لذا با یکی از کارشناسان سیاسی - فرهنگی - اقتصادی - اجتماعی - نظامی - فولکوریک مصاحبه افشاگرانه ای انجام داده ایم که ذیلا می خوانید:

■ ■ ■

سؤال: لطفاً نظرات خود را در مورد کنفرانس برلین بیان فرمایید.

جواب: با درود به کلیه اتفاقاتی که در گذشته رخ داده و با ابراز نفرت نسبت به تمامی اتفاقاتی که در آینده رخ خواهد داد، این کنفرانس برلین که اسرائیلی ها به راه انداختند با کمک بهایی ها یک اهانت بود از طرف آمریکایی ها به تمام ما و در آنجا آنطور به ما هجوم آوردند. خدا می داند که من قلم خون آمدم.

سؤال: مردم ما می پرسند چرا همیشه دشمنان به ما آنطور هجوم می آورند و اینطور هجوم نمی آورند؟ شما فکر می کنید چطور به ما آنطور هجوم آوردند؟

جواب: اینها می خواهند دل ما را به درد بیاورند. کاش می خواستند مملکت را نابود کند. اینها یک عده را جمع کردند در آنجا و به دستور شخصی به نام هانریش بل که من سال ها خودش و پدرش را می شناسم و از عناصر فاسد و معلوم الحال کمونیست و از رفقای سلمان رشدی معلوم است پول دادند که یک عده از خدا بی خبر علیه انقلاب و ما حرف بزنند.

سؤال: در آنجا چه مسایلی مطرح شد؟

جواب: خدا می داند اینها در آنجا چه ها گفتند! ما از کجا خبر داریم؟ مگر اینها به ما می گویند. اگر می گفتند ما دهانشان را خرد می کردیم. خدا می داند در آنجا چه ها کردند.

سؤال: این ها در آنجا چه ها کردند؟

جواب: آنطور که به من گفتند و با توجه به ثقل سامعه شنیدم و با توجه به این که بعضی چیزها یادم می رود خیلی حرف های نامربوطی زدند. گفتند چند نفر رقاوه فاسد آمدند آنجا عربی رقصیدند و خدا می داند چه ها کردند.

سؤال: آیا غیر از خدا کس دیگری نمی داند اینها در آنجا چه ها کردند؟

جواب: از کجا بدانند؟ فقط خدا می داند، یک مقداری هم به ما گفتند.

سؤال: هدف از کنفرانس برلین چه بود؟

جواب: ملت شریف ایران می داند که از زمانی که آنطور شد، این کمونیست ها آن آدولف هیتلر، جوان معصوم را شکست دادند و مجبور شد برای حفظ اصول خودش را بکشد، آلمان شرقی را درست کردند برای اشاعه افکار انحرافی کمونیست و ضربه زدن به ما. اینها آنطور دستشان را از آستین انگلیسی می خواستند در بیاورند که چقدر برادران ما در آنجا مانع شدند. بعداً آمدند اینجا فتنه درست کردند که آنطور بشود و دستشان را در ایران از آستین آمریکا خارج کنند که ما دستشان را کوتاه کردیم و چون کوتاه شد از آستین آمریکا در نیامد. بعداً رفتند در آلمان دستشان را از آستین آلمانی ها خارج کردند. هدفشان همین بود.

سؤال: برنامه کنفرانس برلین برای چه بود؟

جواب: در آنجا یکی از برنامه ها این بود که دستشان را از آستین آلمانی ها در بیاورند، یکی دیگر هم این بود که آب به آسیاب هلند بریزند و سومش این بود که با مشت به دهان ما بزنند و چهارمش این بود که شرم نکردند و هرچه خواستند گفتند.

سؤال: منظور شما از هرچه خواستند گفتند چیست؟

جواب: ملت ما خودش این نکته را خوب می داند و به شما مربوط نیست.

سؤال: با عرض شرمندگی از این که سؤال کردم، اگر دلتان می خواهد بفرمائید آیا کنفرانس برلین به نتایج شوم و خائنه اش رسید؟

جواب: اینها در آنجا می خواستند بگویند خدای ناکرده رئیس جمهور این مملکت خاتمی است که در آنجا خدا را شکر یک عده از دوستان ما روی آنها را کم کردند و الحمدالله نشان دادند که هرکس در خارج است با ما دشمن است و یکی از اهدافشان این بود که بگویند انتخابات یعنی این که مردم به کسی رأی بدهند که برود مجلس، در حالی که ملت ما می داند اینطور نیست.

سؤال: آیا حرف نامربوط دیگری هم دارید که به مردم بگویید؟

جواب: چند نکته یادمانده که چون مطمئن نیستم نامربوط است نمی توانم بگویم.

■ ■ ■

نتیجه گیری سیاسی: خشونت طلبان بر دو دسته اند: داخلی و خارجی.

نتیجه گیری اخلاقی: بعضی ها دوستانشان را حفظ می کنند، بعضی ها دشمنانشان را.

به نقل از روزنامه «عصر آزادگان»، دوشنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۷۹

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه توطئه های فرایند ارگان های امنیتی ...

حداقل ممکن رسانده، و نیز جنبش دموکراتیک سراسری مردم میهن ما را دچار سردرگمی، تفرقه و فرسودگی سازد.

در این زمینه، علاوه بر عملکرد نهاد پوسیده و ضد مردمی شورای نگهبان و سلاح نظارت استصوابی، تمامی دستگاه های تبلیغاتی، به ویژه صدا و سیما، در خدمت جناح ذوب در ولایت و رفسنجانی بود، اما در این میان ما با روش دیگری نیز روبه رو گردیدیم که ارتجاع از آن به شکل گسترده و حساب شده و مودیانه بی بهره گیری می کرد. این شگرد البته پدیده بی «نوبین» و «ناشناخته» نبوده و نیست. شگرد مذکور، عبارت بود از، برپایی و تاسیس گروه های موازی و تقلبی به نام نیروهای ملی - مذهبی.

تا پیش از انتخابات ۲۹ بهمن، حزب سازی و جریان سازی تقلبی به نام نیروهای سیاسی و احزاب شناخته شده و معتبر، بیشتر در حیطه نیروهای امنیتی و وزارت اطلاعات بود، اما این بار توسط جناح ذوب در ولایت، در عرصه کارزار انتخاباتی بر ضد ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی به کار برده شد.

این جناح و هاشمی رفسنجانی که، دارای پایگاه نیرومند و مستحکم در درون وزارت اطلاعات و سپاه پاسدارانند، با توجه به حربه «حزب سازی» و «تشکیل جریان های موازی» با احزاب و سازمان های راستین مدافع منافع مردم، کوشیدند با سوء استفاده از نام «نیروهای ملی - مذهبی» و مجله «ایران فردا»، به نوعی اغتشاش فکری، سردرگمی و تفرقه را در جامعه و در میان هواداران این نیروها دامن زنند.

به دیگر سخن، جناح ذوب در ولایت و هاشمی رفسنجانی، در جریان تبلیغات انتخاباتی، با کمک وزارت اطلاعات و سایر ارگان های امنیتی، جریان وابسته و هدایت شده ای را به نام «جمعیت ایران فردا» و «نیروهای ملی - مذهبی» به وجود آوردند، تا هم سردرگمی و هم اینکه بخشی از آراء مردم را این گونه با تقلب کسب کنند.

همان گونه که اشاره شد، در این خصوص، جریان خلق الساعه به نام «جمعیت ایران فردا» تشکیل گردید، و عنوان نیروهای ملی، مذهبی جعل شده و مورد سوء استفاده قرار گرفت. اینان از هر نوع روش غیر اخلاقی و مغایر با فرهنگ سیاسی بهره گرفتند، و در حالی که، ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی، لیست نامزدهای خاص خود را داشت، این جریان موازی و تقلبی لیستی را با امضاء نیروهای ملی - مذهبی منتشر ساخت که در آن نام رفسنجانی، محسن رضایی، حسن روحانی و محمد غرضی و دیگر عناصر دشمن فکری و سیاسی ملی - مذهبی ها درج شده بود.

و جالب اینجاست این جریان موازی و تقلبی ساخته و پرداخته ارتجاع، در تبلیغات خود از فرهنگ سیاسی، واژگان سیاسی و اصولا سنت های شناخته شده و رایج نیروهای ملی - مذهبی، بهره می گرفت تا بدین وسیله ظاهر خود را آراسته سازد.

این ترفند، از همان ابتدا، با برخورد جدی ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی روبه رو شد. به دفعات و در فرصت های گوناگون، نمایندگان این ائتلاف تقلبی بودن جریان موازی را گوشزد و یاد آوری کردند. در این زمینه، نشریه ایران فردا (ایران فردای واقعی و متعلق به برخی چهره های سرشناس ملی - مذهبی)، در شماره ۷۰ خود، به تاریخ چهارشنبه ۱۱ اسفند ۷۸، در بخش «نکته - تحلیل» در خصوص افشاء این ترفند، بدرستی نوشته است: «جناح انحصار بسیار پیش از برگزاری انتخابات و شمارش آراء شکست خود را پیش بینی می کرد و به هر ترفند و لطایف الحیلی برای جلب بخشی از آرای عمومی اقدام می نمود. یکی از این اقدامات تاسیس و راه اندازی مجموعه ای از احزاب و گروه های خلق الساعه بود.

از همه مهم تر سوء استفاده از عنوان نیروهای ملی - مذهبی و ایران فردا بود که، در ابتدا بخشی از علاقمندان به ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی را سرگردان نمود. نکته حائز اهمیت در مورد مجموعه گروه هایی که با ادعای آزاد اندیشی، وارد صحنه رقابت های انتخاباتی شده بودند، حجم عظیم تبلیغاتی و امکانات مالی بی حد و حصر آنان بود.» نویسنده در ادامه مطلب خود می افزاید: «تشکیل گروه های حامی قدرت و «بفرموده» را می توان زائده های جنبش اصلاح طلبی قلمداد کرد.

ساختن گروه های موازی و تقلبی جهت مشابه سازی با جریان ملی - مذهبی تنها نوعی سرقت و کلاه برداری سیاسی برای قالب کردن جنبش قلابی به مردم است و این خود به معنای پذیرفتن این نکته است که، جنس اصلی مقبولیت پیدا کرده است، بنابراین سعی کردند، یک بار هم شیوه های مکارانه ای را بیازمایند که، در اذهان عمومی ایرانیان به «روش های انگلیسی» معروف است» (ایران فردا، شماره ۷۰، ۱۱ اسفند ماه ۷۸، صفحات ۵ و ۶).

آنچه در جریان انتخابات ۲۹ بهمن ۷۸، بر ضد ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی از سوی ارتجاع صورت پذیرفت، مدت هاست بر ضد نیروهای راستین چپ، و در راس آنها حزب توده ایران، صورت گرفته و می گیرد. این «روش های انگلیسی» وزارت اطلاعات، پیش از آنکه در عرصه انتخابات به کار برده شود، در داخل و خارج کشور با عناوین رنگارنگ و گاه پیچیده، بر ضد حزب ما و دیگر نیروهای چپ، مورد استفاده قرار گرفته است. در رابطه با چپ ها و حزب توده ایران، «کتاب نویسی»، «خاطره نویسی» و «وقایع نگاری» مکمل این روش ها بوده است. جعل تاریخ و دروغ پردازی و حزب سازی تنها بر ضد حزب توده ایران و ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی محدود نشده و بر ضد آیت الله منتظری نیز به کار رفته است. در نمایشگاهی که وزارت اطلاعات تحت عنوان «پیچک انحراف» بر پا داشته بود، تاریخ، جعل و تحریف شده و برای منتظری و پیروان او سند سازی گردیده بود.

از اوایل دهه ۷۰ خورشیدی، وزارت اطلاعات و دیگر ارگان های امنیتی رژیم ولایت فقیه، برای فریب و شکار فعالین چپ و معتقدان به مارکسیسم در داخل و خارج کشور، انواع بنگاه های پژوهشی و نشریات به ظاهر «توده ای» ایجاد و منتشر کردند. هدف از همان آغاز تا به امروز، ایجاد سردرگمی، تفرقه و تشتت در درون حزب و دیگر نیروهای چپ بود، به علاوه اینکه در داخل کشور باعث سردرگمی افکار عمومی نیز می شوند. وجه مشترک میان این گونه اقدامات بر ضد حزب توده ایران و ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی، جای تامل بسیار دارد و هر عقل سلیمی را جدا به اندیشه او می دارد. همانطور که نویسنده مقاله مجله ایران فردا به درستی اشاره می کند، یکی از این وجوه اشتراک «حجم عظیم تبلیغاتی و امکانات مالی بی حد و حصر آنان است» و «سرقت عناوین گروه ها و سازمان های واقعی!».

اتفاقا در جریان انتخابات مجلس ششم و رخ دادهای پس از آن، این تنها ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی نبود که آماج جنگ روانی - تبلیغاتی واقع شد و به نام آنها و بر ضد آنها گروه های موازی تقلبی ایجاد و بیانیه صادر و لیست جعلی انتشار یافت، بلکه به نام حزب توده ایران نیز، جریان موازی تقلبی، اعلامیه و بیانیه صادر کرده و با امکانات در اختیار آنان قرار گرفته آنرا توزیع کردند. حزب توده ایران مدت هاست آماج چنین جنگ روانی - تبلیغاتی قرار دارد و دستگاه های امنیتی تلاش می کنند، جریان موازی و تقلبی به نام آن تاسیس کرده و سپس به آن اجازه فعالیت دهند. اینکه چرا به نام حزب توده ایران، اعلامیه و بیانیه صادر می گردد و از عنوان آن سوء استفاده می شود، پرسشی است که پاسخ آن روشن است. در اینجا باید با نویسنده مجله ایران فردا، هم داستان بود که: «این خود به معنای پذیرفتن این نکته است که جنبش اصلی مقبولیت عام پیدا کرده است.»

هدف رژیم ولایت فقیه، خشکاندن ریشه های نیرومند و پایدار حزب در جامعه ایران است. نشریات جعلی و جریان موازی و تقلبی، همگی در این راستا قرار دارند. شواهد حاکی از آن است که «حزب سازی» و تشکیل جریان موازی و تقلبی بر ضد حزب توده ایران و دیگر نیروهای مبارز و آزادی خواه، در آینده شدت بیشتری خواهد گرفت.

حزب ما، ایجاد احزاب فرمایشی و حکیم فرموده و تقلبی به نام هر نیرو و حزبی را به شدت محکوم کرده، و همه احزاب، سازمان ها و نیروهای میهن دوست و ترقی خواه را به هوشیاری در برابر این ترفند رژیم ولایت فقیه فرا می خواند. باید با هوشیاری توطئه حزب سازی و ایجاد جریان موازی و تقلبی را افشاء و خنثی کرد!

ترمیم کابینه و چشم انداز آن

بر پایه گزارشات رسانه های همگانی جمهوری اسلامی، محمد خاتمی، در صدد ترمیم کابینه خود برآمده و کوشش در این زمینه را آغاز کرده است. مرتضی حاجی، وزیر تعاون و عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت، روز یکشنبه ۲۱ فروردین ماه سال جاری، طی گفتگویی با خبرگزاری ایرنا، اعلام داشت: «خاتمی ارزیابی های خود را برای ترمیم کابینه آغاز کرده است... بحث ترمیم کابینه مربوط به رئیس جمهوری است نه هیأت دولت و آقای خاتمی نیز ارزیابی های خود را از عملکرد یکایک وزیران و هیأت دولت شروع کرده است، بخشی از این ارزیابی ها بر مبنای گزارش عملکردی است که اعضای هیأت دولت به رئیس جمهوری ارائه داده اند، و بخش دیگر به میزان مشارکت آنها در تصمیم گیری های هیأت دولت باز می گردد...»

در پی این سخنان، اخبار و گزارش های متعددی در مطبوعات درج گردید و بازار بحث و بررسی و گمانه زنی درباره آینده دولت خاتمی و ترکیب احتمالی آن بسیار داغ شد. در این خصوص روزنامه اخبار اقتصاد به نقل از منابع مختلفی از جمله نوشت: «انتظار می رود تا پیش از آغاز کار مجلس ششم، آخرین رأی زنی ها درباره تغییرات در دولت خاتمی انجام شود و براساس آن، چهره های جدیدی وارد کابینه شده و برخی چهره های فعلی نیز در درون کابینه جا بجا خواهند شد...»

بحث ترمیم کابینه و تغییرات در قوه مجریه، با تغییرات در ساختار دولت همراه است. گزارشات حاکی از آن است که، وزارت جهاد سازندگی در وزارت کشاورزی ادغام شده و از ترکیب دو وزارتخانه صنایع و معادن و فلزات، یک وزارتخانه تشکیل خواهد شد. به علاوه طرح ادغام سازمان برنامه و بودجه با سازمان امور اداری و استخدامی نیز در هیأت دولت تصویب گردیده و به زودی یک سازمان نوپدید به نام سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور شروع به فعالیت خواهد کرد. همچنین طرح ادغام وزارت تعاون در وزارت امور اقتصادی و دارایی در دست بررسی بوده و مراحل پایانی خود را می گذراند. تغییرات در ساختار دولت و ترمیم کابینه کنونی، امری دور از انتظار نبود.

از همان فردای انتخابات ۲۹ بهمن ۱۳۷۸، برخی از نیروهای طیف هوادار خاتمی، خواستار تغییر و دگرگونی در ترکیب هیأت دولت متناسب با سهمی که جناح های حکومتی در انتخابات کسب کرده و جایگاه آنان در مجلس ششم شدند. هیأت دولت کنونی به ریاست خاتمی، ائتلافی است که، جناح های مختلف حکومتی را شامل شده و از کارگزاران سازندگی تا مدافعان ذوب در ولایت در آن حضور دارند.

در این کابینه، اهرم های اصلی و حساس امور مربوط به اقتصاد و بازرگانی در اختیار باند کارگزاران سازندگی قرار داشته و اشخاصی مانند نوربخش، نجفی و کلاتنری در کنار امثال شریعتمداری طراحان و تدوین کنندگان برنامه های اقتصادی- اجتماعی به شمار می آیند. کابینه ائتلافی و وزن مخصوص کارگزاران سازندگی در آن، این امکان را فراهم ساخته است که، برنامه های اقتصادی- اجتماعی مغایر با منافع و حقوق مردم که از زمان ریاست جمهوری رفسنجانی تدوین و به مورد اجرا گذاشته شد، ادامه یافته و تنها نام آنها تغییر کند. این برنامه های ضد ملی فقط و فقط تامین کنندگان منافع سرمایه داری تجاری و نوکیسه گان تازه به دوران رسیده بوده و پیامدهای ناگواری برای اکثریت مردم میهن ما پدید آورده است. ذکر این واقعیت نیز بجاست که، خاتمی و هواداران او در برابر این سیاست ها تا به امروز در موضع انفعالی قرار داشته و حتی در پاره ای مواقع با آن همکاری کرده اند.

به هر ترتیب با شکست سنگین مدافعان ذوب در ولایت و چهره منفوری مانند هاشمی رفسنجانی در انتخابات ۲۹ بهمن ۷۸، مردم میهن ما و در رأس آنها کارگران و زحمتکشانشان، این انتظار به حق و بدیهی را بارها و بارها عنوان ساخته اند که باید در مجموعه سیاست های اقتصادی- اجتماعی به سود منافع حقوق بگیران، تغییرات بنیادین صورت بگیرد. این یک خواست اساسی و فراگیر محسوب می شود که در بطن رویدادها قرار دارد و مضمون کلیه رخدادهای دو سال و نیم اخیر به شمار می آید. تصمیم به ترمیم کابینه و آغاز ارزیابی ها برای ترکیب جدید هیأت دولت در شرایط کنونی، نشانگر آن است که، ژرفش و فشار نیرومند توده ای از پائین به تاثیرات گسترده و مستقیم در

درون حاکمیت باقی می گذارد، از همین رو برخی نیروهای طیف هوادار خاتمی به منظور مهار جنبش در چارچوب موجود و جلوگیری از فراروئی آن خواستار تغییرات جدی و محسوس در قوه مجریه هستند. روزنامه صبح امروز، چندی پیش در سرمقاله خود تحت عنوان «ملاحظات تغییر کابینه» با اشاره به موضوع ترمیم کابینه از جمله متذکر شد: «... مردم انتظارات و توقعات زیادی از دولت خاتمی دارند و به رغم آنکه وی را مسئول کل نظام و مسایل و مشکلات موجود نمی دانند اما خواستار برخورد های قاطع تر و سیاست های اصولی تر از جانب رئیس جمهور و کابینه وی هستند... مجموعه واقعیت های فوق نشان می دهد که، تغییر و دگرگونی در کابینه آقای خاتمی در وهله اول در سطح وزرا، معاونین رئیس جمهور و روسای سازمان ها الزامی است. رئیس جمهور و گروه مشاوران ایشان در تغییرات احتمالی باید ملاحظات زیر را مورد توجه قرار دهند:

۱- دولت باید همچنان انقلابی باقی بماند. ماهیت ائتلافی کابینه، الزام امری منفی نیست و به رغم تغییر در وزن سیاسی، اجتماعی جناح ها، حضور نمایندگان جریان های مختلف سیاسی در کابینه، البته به شرطی که حاضر به قبول اصول، سیاست ها و برنامه های آقای خاتمی باشند، مفید و موثر است...»

۲- شایسته سالاری باید به عنوان معیار دیگری برای تغییر و تحول در کابینه قرار گیرد... لذا تعویض و تغییر معاونین یا وزیرانی که شایستگی لازم را از خود نشان نداده اند ضرورتی قطعی است...»

این روزنامه سپس در ادامه مقاله خود می افزاید: «هر تغییر و تحولی در کابینه باید مبتنی بر ارزیابی ها و بررسی های همه جانبه باشد، اتکا به آشنایی های گذشته، گروه گرایی و مصلحت اندیشی های غیر اصولی، پیامدهای زیانباری برای شان، موقعیت و اعتبار گروه های جبهه دوم خرداد و ریاست جمهوری دارد. نباید همچون جناح راست مصلحت های ملی را در دایره تنگ منافع گروهی قرار داد و همچنان در انتظار استمرار حمایت های مردمی بود...»

تذکرات و نقطه نظرات این روزنامه با نفوذ در جناح هوادار خاتمی فارغ از هر توضیح و تفسیری است. نکته فوق العاده پر اهمیتی که در کلیه ارزیابی های این جناح نسبت به آینده هیأت دولت به چشم نمی خورد و مشخص نمی باشد تاکید بر ضرورت تغییرات در سیاست ها و عملکردها و سمت گیری اقتصادی- اجتماعی است!

تحولات پر شتاب دوم خرداد به این سو، نشان می دهد، جامعه ما تشنه تغییرات گسترده و ژرف است. جامعه خواهان دگرگونی های بنیادین در تمام زمینه هاست. بدون کوچک ترین تردیدی باید خاطر نشان ساخت بدون این دگرگونی ها، میهن ما از چنبره ارتجاع، واپس ماندگی، فقر و استبداد رهایی نخواهد یافت به همین دلیل، نمی توان ترمیم کابینه را فقط و فقط به جا به جایی مهره ها محدود ساخت. خواست تغییرات بسیار فراتر و ژرف تر از جا به جایی چند مهره و جایگزین شدن دیگران به جای آنان است. اگر ترمیم کابینه با تغییر و بازنگری در سیاست های اقتصادی- اجتماعی فاجعه بار ده سال گذشته که طی دو سال اخیر نیز ادامه پیدا کرده، همراه نگردد امری بی حاصل، بی تاثیر و مهم تر از آن بحران آفرین خواهد بود و به ارتجاع زخم خورده، فرصت بازسازی و تحرک بیشتر خواهد بخشید. هر نوع ترمیم و تغییر ترکیب هیأت دولت باید توأم با تغییر در سیاست ها و سمت گیری ضد ملی اقتصادی- اجتماعی بازمانده از دوران رفسنجانی که چیزی جز دستور العمل های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نیستند، فاصله گرفت. مردم میهن ما به تغییرات در سیاست ها چشم داشته و خواستار دگرگونی اساسی هستند. تغییر و جایجایی مهره ها مشکل را حل نخواهد کرد. باید با شجاعت به سیاست ها و راه و روش زیانبار دوران تعدیل اقتصادی و دو دوزه بازی های کارگزاران سازندگی پایان داد. بدون ایجاد تغییرات اصولی در سمت گیری اقتصادی- اجتماعی، راه برقراری آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما همچنان بسته باقی خواهد ماند.

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران ...

دانشجویان از ساختمان خوابگاه به خیابان از مصادیق «خشونت قانونی» و مورد تأیید او هست یا نه؟ در پی این سخنان تحریک کننده که بی شک با برنامه ریزی قبلی و از پیش تدارک دیده شده با سایر ارگان های ترور و جنایت تنظیم شده بود، در روز یکشنبه ۲۸ فروردین ماه، سپاه پاسداران با انتشار بیانیهٔ بی سابقه ای در دفاع از استبداد، خشونت، سرکوب و ترور دگراندیشان، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، اعلام کرد که: «آنگاه که زمانش فرا رسد، دشمنان ریز و درشت صدای پتک انقلاب را در جمجمه خود چنان حس خواهند کرد که برای همیشه از توطئه و خیانت باز مانند!» اعلامیه سپاه با اعلام اینکه اصلاح طلبان و بیش از ۲۰ میلیون ایرانی که بر ضد رژیم استبدادی و مدافعان سرکوب در انتخابات دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ و در هفته های اخیر در انتخابات ۲۹ بهمن ۱۳۷۸، آراء خود را به صندوق ها ریختند، «سیلی خورده های انقلاب»، «آدم و آدمک های دشمن» و «مفسدین و محارب» اند در تأیید آشکار سخنان سید علی خامنه ای، اضافه کرد، که نیروهای مسلح سپاه: «با اشاره ای از مولی و مقتداشان همچون صاعقه بر سر جنایتکاران فرود می آیند. زمانی که وقت لبخند و مدارا به سر رسد (و خدا نکند که به سر رسد) قانون خشونت انقلابی و غلظت اسلامی برای پاسداری از حق و عدالت، اما بی هیچ محافظه کاری و تبعیض، با سرعتی که تصور آنرا هم نمی توانید بکنید بدست آنان به اجرا درخواهد آمد و آنگاه برای درس گرفتن بسی دیر خواهد بود!» (به نقل از روزنامه مشارکت، دوشنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۹).

افزون بر این، دو رویداد بسیار مهم، که چیزی جز اعلام جنگ مستقیم، از سوی رهبری رژیم ارتجاعی «ولایت فقیه»، و شخص «ولی فقیه»، بر ضد جنبش مردمی نیست، در روزهای اخیر همچنان بازار تشدید فشار و دستگیری منتقدان رژیم بسیار داغ بوده است، و در پی زندانی کردن شمس الواعظین و احضار قوچانی و گنجی، عمادالدین باقی نیز به جرم «نشر اکاذیب، اهانت به مقدسات و اقدام علیه امنیت ملی» به دادگاه احضار شد، و احمد حکیمی پور، عضو شورای شهر تهران و از نزدیکان سعید حجاریان، به عنوان «متهم» ترور حجاریان، دستگیر و روانه زندان شد. در کنار این یورش بسیار سازمان یافته و خطرناک، در روزهای اخیر، شورای نگهبان نیز با ابطال آراء ده ها هزار ایرانی در شهرهای مختلف، و تلاش برای تغییر آراء تهران هدف روشن ارتجاع از تخریب و سنگ اندازی در کار مجلس ششم را برملا کرد و نشان داد که در اوضاع حاد و بحرانی کنونی رأی و نظر مردم نه تنها ارزشی برای رهبری رژیم «ولی فقیه» ندارد، بلکه خطری است جدی که باید با آن از طریق خشونت و سرکوب مقابله کرد.

حزب ما، در هفته های اخیر، و خصوصاً پس از طرح ترور سعید حجاریان و شماری دیگر از چهره های اصلاح طلب و منتقد رژیم مکرراً پیرامون توطئه های فزایندهٔ ارتجاع بر ضد جنبش مردمی هشدار داده است، و بی شک رویدادهای روزهای اخیر میهن ما، زنگ خطری است جدی که در صورت بی توجهی و عدم برخورد هوشیارانه و سازمان یافته جنبش به آن، می تواند عواقب فوق العاده خطرناکی برای کشور در پی داشته باشد. ویژگی های یورش رهبری رژیم «ولایت فقیه» در روزهای اخیر را برای باز پس گرفتن مواضع از دست رفته در سه سال گذشته می توان در چارچوب های زیر ارزیابی کرد:

- سرکوب وسیع مطبوعات مخالف از طریق دستگیری وسیع نویسندگان منتقد و بستن روزنامه های مستقل؛
- تهدید جدی به سرکوب خونین جنبش در صورت عقب نشستن و دست نکشیدن از خواست های اصلاح طلبانه؛
- آماده کردن سپاه و سایر نیروهای سرکوبگر برای ایجاد یک حکومت شبه نظامی؛

- ایجاد اغتشاش، ناآرامی و دامن زدن به تشنج برای توجیه حرکات سرکوبگرانه نیروهای نظامی و انتظامی، زیر پوشش استقرار امنیت؛
- استفاده از همه امکانات «قانونی»، تقلب و اعمال فشار برای جلوگیری از شروع کار مجلس ششم، و یا حتی المقدور تغییر، توازن مجلس به نفع مدافعان ارتجاع و استبداد؛
- عجله در گذراندن قوانین شدیداً ضد مردمی و ارتجاعی در واپسین روزهای حیات ننگین مجلس دوره پنجم.

آنچه امروز بر میهن ما می گذرد، فاجعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که

زندگی را بر اکثریت عظیم مردم تلخ، دشوار و توأم با فشارهای کمر شکن اقتصادی و اجتماعی کرده است، ثمرهٔ مستقیم سیاست هایی است که امروز هم «ولی فقیه» رژیم تلاش دارد آنها را با اعمال «خشونت قانونی» بر میهن ما همچنان تحمیل کرده و ادامه حاکمیت استبداد و ارتجاع را برای سالیان طولانی تأمین کند. این تهدیدات زمانی صورت می گیرد که میلیون ها ایرانی در ۲۹ بهمن ماه رأی منفی خود را به ادامه این سیاست ها به صندوق های رأی ریختند، و خواهان تغییرات بنیادین و دموکراتیک در حیات سیاسی کشور شدند. آنچه امروز از سوی عالی ترین مقام رهبری رژیم از تربیون نماز جمعه بیان می شود، چیزی جز تأیید جنایت، ترور و خشونت حکومتی بر ضد دگراندیشان، چه اسلامی و چه غیر اسلامی و در واقع اعلام جنگ بر ضد روند اصلاح طلبی، در جامعه ما نیست. در مقابل این تهدیدات و تهمیدات چه باید کرد؟ جنبش مردمی و آزادی خواهانه میهن ما، در طول سه سال گذشته، راه درازی را پشت سر گذاشته و خطرات مهلکی را با هوشیاری و آمادگی از سر گذرانده است. اتحاد عمل، و مقابله هم آهنگ با ترفندهای ارتجاع، یگانه راه شکست توطئه های ارتجاعی است که این روزها جنبش مردمی میهن ما را تهدید می کند.

حساب نیروهای ارتجاعی این است که با در پیش گرفتن سیاست های تحریک آمیز و تشدید فشار، دستگیری و حتی ترورهای تازه، می توان جنبش را تضعیف، شماری از نیروهای سیاسی موجود در ائتلاف دوم خرداد را به سازش و تسلیم و پشت کردن به اهداف جنبش کشاند، و سرانجام پس از تضعیف جنبش، آن را سرکوب کرد. هرگونه توهم و عوام فریبی پیرامون دلایل سخنان خامنه ای، و طرح این نظر که سخنان او در واقع هدفش محکوم کردن خشونت «غیر قانونی» بوده است، چیزی جز خاک پاشیدن به چشم جنبش و ایجاد رخوت مخاطره آمیز پیرامون ابعاد این توطئه خطرناک نیست. حزب تودهٔ ایران، بار دیگر تأکید می کند که، بر اساس اطلاعات و داده های رسیده تا به امروز، ارتجاع حاکم توطئه خطرناکی را برای سرکوب کامل جنبش مردمی آغاز کرده است، و تنها با مقابله وسیع، یکپارچه و متحد نیروهای مردمی است که می توان دشمن را با شکست روبه رو کرد.

بسج نیروهای اجتماعی، کارگران و زحمتکشان، دانشجویان و زنان در کنار هوشیاری نیروهای سیاسی وفادار به آزادی، یگانه راه برخورد با این طرح است. شواهد نیرومندی در دست است که نیروهای ارتجاعی و سرکوبگر طرح های مشابهی همچون طرح ترور سعید حجاریان و سپس متهم کردن نیروهای اصلاح طلب به دست داشتن در آن را از مدت ها پیش تدارک دیده بودند، و نام شماری از شخصیت های سیاسی - اجتماعی کشور، از جمله نزدیکان رئیس جمهوری، و حتی شخص سید محمد خاتمی در این لیست قرار داشته تا در فرصت مناسب برای اجرای طرح شبه کودتای نظامی و سرکوب جنبش، به اجرا درآید.

میهن ما لحظات بسیار حساس و خطرناکی را از سر می گذراند! باید با اتحاد عمل، هوشیاری و مبارزه جدی در مقابله توطئه های ارتجاع ایستادگی کرد.

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۹

بررسی رویدادهای جهان

فنلاند

طی یک اعتصاب پنج روزه، که توسط رانندگان اتوبوس و کامیون در فنلاند صورت گرفت، بخش وسیعی از این کشور از حرکت باز ایستاد. این اعتصاب در برگیرنده بیش از پانزده هزار راننده کامیون و اتوبوس بود، و در پشتیبانی از این اعتصاب، باراندازان بنادر فنلاند نیز دست از کار کشیدند که بنوبه خود منجر به باز ایستادن واردات و صادرات از طریق بنادر فنلاند شد، و شرایط بوجود آمده را بر مراتب بغرنج تر کرد. رانندگان اتوبوس و کامیون طی این اعتصاب خواستار افزایش دستمزد بودند که با مخالفت سندیکای کارفرماها روبه رو شدند.

سرنجام در روز یکشنبه ۲ آوریل، و با میانجی گری نمایندگان دوطرف، سندیکای کارفرمایان بخش بزرگی از شرایط رانندگان را پذیرا شد. شرایط مورد قبول کارفرماها، یک قرارداد ده ماهه بود، در حالی که طبق این توافق نامه، قرارداد سه ساله جدیدی برای چگونگی افزایش دستمزدها به امضاء رسید.

ایالات متحده

بنا به گزارش سازمان اطلاعات و جاسوسی ایالات متحده آمریکا (سیا)، هرساله پنجاه هزار زن و کودک، که از کشورهای دیگر جهان وارد آمریکا می شوند، به عنوان برده های زمان جدید، مورد سوء استفاده های جسمی و جنسی قرار می گیرند.

زنها و دختران جوان با باور به تبلیغات فراوان منتشره، برای دست یابی به کارهایی از قبیل منشی گری، کار در رستوران و یا نگهداری از کودکان، دعوت به کار می شوند، اما بعداً به عنوان برده های جنسی مورد معامله قرار می گیرند و یا مجبور می شوند تا تن به کارهای پست بدهند.

دختران جوان، برخی از کشورهای

آسیایی و آفریقایی، به قیمت بسیار ناچیزی به باندهای بین المللی فروخته می شوند، که سپس به آمریکا برده شده و در معرض خرید و فروش قرار گیرند. طبق این گزارش طی دو سال اخیر بیش از یکصد هزار نفر قربانی سیستم جدید برده داری در آمریکا

شده اند، که تنها ۲۵۰ مورد آن به دادگاه کشیده شده است، که آن نیز به دلیل محکومیت های ناچیز و جزئی، در عمل هیچ تاثیری در جلوگیری از این جریان نداشته است. در این گزارش گفته می شود که، چگونه زن هایی که از کشورهای بالتیک وارد آمریکا می شوند، بر اثر ارباب و تهدید وادار به رقص های لختی می شوند و زنهای تایلندی به عنوان برده های جنسی در معرض فروش قرار می گیرند، و یا اینکه چگونه دختران جوان مکزیکی، اغلب ۱۴ ساله و یا کمتر، با وعده به کار با بچه های کوچک، به فاحشه خانه ها کشیده شده و مورد تجاوز و سوء استفاده های جنسی قرار می گیرند. اکثر این قربانیان از کشورهای تایلند، ویتنام، روسیه، چین، مکزیک و چک اند، اما بالاترین رقم متعلق به کشورهای لیتوانی، لهستان و مجارستان است. این گزارش در ماه نوامبر ۱۹۹۹ در اختیار سازمان های مسئول و نهادهای دولتی در ایالات متحده قرار گرفت. اما تا کنون هیچ اقدامی پیرامون این مسأله صورت نگرفته است.

آلمان

به نوشته روزنامه «برلینر سایتونگ»، دولت «هلموت کهل»، بلافاصله پس از اتحاد دو آلمان، مدارک بسیاری را از بایگانی موجود در سازمان اطلاعات «جمهوری دموکراتیک آلمان» (استازی) از بین برده است. این گزارش ها بر اساس گفتگوهای تلفنی ضبط شده صورت گرفته است و علت نابودی این مدارک، وجود اطلاعاتی ذکر شده است که می توانست «شخصیت» و «مقام» سیاستمداران آلمان فدرال را زیر سؤال ببرد و آنها را در خطر بیندازد.

در همین رابطه، «کهل» قول داده بود که تمام اختیارات و امکانات موجود را به کار ببرد تا مدارک موجود مورد استفاده قضایی بر ضد سیاستمداران آلمان غربی قرار نگیرد. چندی پیش نیز مدارک دیگری ارائه شد که نشان می داد که «استازی»، در اوایل دهه ۷۰، از شیوه ها و عمل کردهای غیر قانونی حزب اتحاد دموکرات مسیحی (سی-د-او) برای تامین اقتصادی حزب اطلاع داشته است، یعنی آنچه که یکی از ماموران سابق «استازی» (مارکوس ولف) نیز آن را تایید کرده است. همچنین این گزارش حاوی مطالب فراوانی در مورد عدم احترام برخی از سیاستمداران آلمان غربی نسبت به مردم، رقیبان و همکارانشان است.

اوکراین

بنا به اظهار نظر وزیر کشاورزی اوکراین، «رومان اشمیت»، تمامی سیستم مزارع اجتماعی بوجود آمده در اتحاد شوروی (کلخوز)، به طور کامل، در این کشور از بین رفته است. به گفته وی، از مجموع ۱۰/۵۵۱ مزرعه مشترک (کلخوز)، ۱۱/۰۰۰ مزرعه جدید بوجود آمده است که، بطور عمدتاً بصورت شرکت های سهامی و تعاونی اداره می شوند. این تغییر، طبق دستور مستقیم رییس جمهوری اوکراین،

«لئونید کوچما»، و به دنبال ادامه خواست ها و شرایط تحمیلی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و در جهت هرچه خصوصی تر کردن نهادهای دولتی و عمومی صورت می گیرد. از این رو تصمیم بر آن است که، بقایای آنچه که از سیستم شوروی باقی مانده است برچیده شود. «اشمیت» در همین رابطه گفت: «پس از انحلال سیستم مزارع اجتماعی، زمان لازم است تا طرز تفکر سیستم شوروی را نیز در میان کشاورزان اوکرایینی از بین برد.»

سیستم جدید کشورهای

صنعتی جهان

در جلسه ای که با حضور نمایندگان هفت کشور بزرگ صنعتی جهان، موسوم به گروه ۷، صورت گرفت، شکل جدیدی برای به اصطلاح «ترغیب»، «رشد» و «همکاری های» اقتصادی در جهان و رفع مشکلات مربوط به آنها ارائه شد.

طبق این طرح، شکل جدیدی از کشورهای صنعتی جهان به وجود خواهد آمد که در برگیرنده ۲۰ کشور بوده و موسوم به «گ - ایکس» است، که اولین جلسه خود را در ماه دسامبر امسال و به ریاست «پائول مارتین» وزیر اقتصاد کانادا، در برلین برگزار خواهد کرد.

به کشورهای گروه ۷، ۱۱ کشور دیگر که از توان اقتصادی بالاتری برخوردار هستند و از نظر اقتصادی رو به «رشد» هستند، افزوده خواهند شد. همچنین در این مجموعه، نمایندگان بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نیز حضور خواهند داشت.

«پائول مارتین»، در رابطه با گروه جدید، گفت: «گ - ایکس» هرچه بیشتر به روند «وحدت» اقتصاد جهان و رشد آن کمک خواهد کرد و هدف آن از جهانی ساختن اقتصاد، تمرکز برای درآمد بیشتر و امکانات بهتر در «همه جا» است. کشورهای گروه ۷ در نظر دارند بتدریج کشورهای جهان را که رو به رشد اند را وارد گروه «گ - ایکس» کنند، کشورهایی نظیر برزیل، روسیه و چین، که دارای ظرفیت و توان کافی برای تاثیر گذاری در اقتصاد جهان اند.



«گردهمایی جنوب» در مصاف با نولیبرالیسم

فیدل کاسترو، رهبر انقلابی کوبای سوسیالیستی، در سخنان افتتاحیه گردهمایی جنوب، در روز ۱۲ آوریل اظهار داشت که «برای فضاوت در مورد نظم اقتصادی غیر عادلانه موجود به یک محکمه نورنبرگ دیگر نیاز داریم.»

«گردهمایی جنوب» که اجلاس نوبتی کشورهای در حال توسعه موسوم، گروه ۷۷، محسوب می شود، در روز ۱۲ آوریل در مرکز بین المللی کنفرانس ها در هاوانا، پایتخت کوبا، آغاز به کار کرد. گروه ۷۷ در سال ۱۹۶۴ با شرکت ۷۷ کشور جهان پایه گذاری شد و در حال حاضر ۱۳۳ عضو دارد. رهبران و نخست وزیران ۶۵ کشور جهان، برای شرکت در کنفرانس به هاوانا مسافرت کرده اند. در کل، نمایندگان بیش از ۱۱۰ ملت در بحث های گردهمایی شرکت دارند. در جلسه افتتاحیه گردهمایی، علاوه بر فیدل کاسترو، اولسونگ اوبا سنجو، رئیس جمهوری نیجریه کشوری که ریاست نوبتی گروه ۷۷ را عهده دار د، تابو امبکی، رئیس جمهوری آفریقای جنوبی، به عنوان ریاست جنبش غیر متعهد ها و کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل سخن گفتند.

در سخنانی خطاب به سران کشور های در حال توسعه، حاضر در گردهمایی، کوفی عنان از خواست گروه ۷۷ برای دسترسی به بازار های کشور های ثروتمند و پایان دادن به عدم برابری مابین و در درون کشور های غنی و فقیر حمایت کرد. او همچنین خواستار تغییراتی در شورای امنیت سازمان ملل و در سیستم مالی بین المللی گردید. کوفی عنان همچنین دستاورد های کوبا را در توسعه و تأمین عدالت اجتماعی برای ۱۱ میلیون شهروند کوبایی، بر رغم محاصره اقتصادی فلج کننده بر ضد این کشور، را مورد تمجید قرار داد. دبیر کل سازمان ملل گفت: «همان گونه که هر ساله شاخص (ایندکس) توسعه انسانی سازمان ملل تصریح می کند، کوبا باید مورد غبطه بسیاری از کشورهای دیگر باشد که ظاهراً ثروتمند تر هستند.»

رفیق فیدل کاسترو، در سخنرانی مبسوط خود در گردهمایی، ضمن تشریح عواقب اعمال سیاست های نولیبرالیستی در جهان و مشخصه های واقعی جهانی شدن، خواستار نظم اقتصادی عادلانه تری در جهان گردید. رهبر کوبای سوسیالیستی متذکر شد: «بشریت هیچ گاه در گذشته چنین توانندی قدرتمند علمی و فن آورانه، چنین ظرفیت خارق العاده ای برای تولید ثروت و رفاه، نداشته است ولی هیچ گاه در گذشته نابرابری و تبعیض نیز چنین در جهان عمیق نبوده است. شگفتی های فن آورانه (تکنولوژیک) که جهان را از نظر ارتباطات از راه دور و مسافت کوچک تر کرده است امروزه با فاصله افزایش یابنده ای که ثروت و فقر، توسعه و عدم توسعه را از هم جدا می کند، همزیستی دارند.

قبول این که جهانی شدن یک واقعیت عینی است، این حقیقت را تأکید می کند که ما همگی مسافران یک کشتی یگانه یی، یعنی سیاره یی که ما همگی در آن زندگی می کنیم، هستیم. اما مسافران این کشتی در شرایط بسیار متفاوت با هم مسافرت می کنند... اکثریت عظیم آنان در شرایطی مسافرت می کنند که شبیه به تجارت برده از آفریقا به آمریکا در گذشته استعماری مان است. ۸۵ درصد مسافران این کشتی در انبار های کثیف تلمبار شده و از گرسنگی، مرض و بیچارگی در عذابند.

به ما گفته می شود که بازارهای بدون کنترل، خصوصی سازی وسیع و دست شستن دولت از فعالیت اقتصادی، اصول خدشه ناپذیر و مقدسی اند که در خدمت به توسعه اقتصادی و اجتماعی قرار دارند. در مسیر چنین خطی، کشورهای توسعه یابنده، به ویژه ایالات متحده آمریکا، فراملی های بزرگ که از این سیاست ها نفع می برند، و صندوق بین المللی پول، در طول دو دهه گذشته چنان نظم اقتصادی جهانی بی را طرح کرده اند که شدیداً در خصوصت با پیشرفت کشورهای ما قرار دارد و از نظر محافظت از جامعه و محیط زیست غیر قابل تداوم است. استقرار جهانی شدن از طریق بکارگیری الگوهای نولیبرالی باعث شده است که به عوض توسعه یافتن، فقر جهانی شود، و نقض احترام به حق حاکمیت ملی و عدم توجه به همبستگی در شرایطی که رقابت غیر عادلانه ای در بازار حاکم است، جاری باشد. دو دهه تعدیل ساختاری نولیبرالی در پشت سر خود شکست اقتصادی و فاجعه اجتماعی باقی گذاشته است. این وظیفه سیاستمداران مسئول است که، با اتخاذ تصمیمات لازم الاجرای نجات جهان سوم از بن بست را رقم زنند.»

بیانیه نهایی گردهمایی جنوب، به صراحت، هر گونه قانون، مقررات و یا اقدامی را در جهت

تحت فشار قرار دادن کشورها، از جمله تحریم های اقتصادی یک جانبه را مردود شمرد و خواستار لغو فوری چنین تحریم هایی گشت.

بیانیه، پس از تأکید بر این که ملت های جنوب طرفدار توسعه و تقویت حکومت قانون اند، نگرانی خود را پیرامون تأثیر مستقیم و غیر مستقیم تحریم های اقتصادی بر زندگی شهروندان عادی و ظرفیت اقتصادی کشورهای مورد تحریم ابراز کرد. بیانیه با تأکید بر حمایت خود از اصل حق پایه ای همه ملت به خود گردانی، هر گونه اقدامی را تحت پوشش «مداخله بر اساس ملاحظات انسانی» مردود شمرد و متذکر شد که، این نوع برخورد هیچ گونه پایه حقوقی در منشور سازمان ملل و اصول عمومی قانون بین المللی ندارد.

سند نهایی گردهمایی جنوب، ایجاد یک سیستم اقتصادی بین المللی دموکراتیک که قابلیت پاسخ گویی به نیازهای کشورهای در حال توسعه را داشته باشد، خواستار شد. بیانیه تصریح می کند، که روند جهانی شدن و انکاء متقابل، نمی باید برای تضعیف و یا باز تفسیر اصولی نظیر حق حاکمیت ملل و حق ملت ها به انتخاب نظم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود، به کار گرفته شود. سند نیاز به یک نظم نوین انسانی جهانی، که متضمن بر طرف کردن عدم برابری های رشد یابنده بین فقیر و ثروتمند را، چه در عرصه ملی و چه بین المللی، از طریق حمایت از رشد همراه با برابری، از بین بردن فقر، گسترش اشتغال تولیدی و پرورش همگرایی و یکی شدن (انتیگراسیون) اجتماعی متذکر می گردد.

بیانیه نهایی، پس از بررسی مشکلات مالی عظیمی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه با آن مواجه اند، خواستار اصلاح بنیادین ساختار های مالی به منظور دموکراتیزه و شفاف کردن آن می شود. بیانیه متذکر می شود که برای این اصلاحات نیاز به اتخاذ برنامه روشنی است که فقط محدود به برخورد با بحران ها نباشد، بلکه اقداماتی با هدف فائق آمدن بر مشکلات بهم مرتبط سرمایه های تجارت، تکنولوژی و توسعه شامل باشد.

سند، با تأیید این که ارتباط متقابل جهان از هر زمان دیگری گسترده تر است تأکید می کند که امنیت و رفاه

ادامه در صفحه ۳

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:581

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

17 April 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

N.Sadegie نام

790020580 شماره حساب

10050000 کد بانک

Berliner Sparkasse بانک